



اولویت بندی راههای بهبود مصرف انرژی در صنعت فولاد با استفاده از تکنیک بُردا (مطالعه موردی ذوب آهن درفک شمال)

آزاده جنگلی^۱ و سعید سلیمی^۲

^۱ کارشناس زیست محیطی؛ azadejamgali@yahoo.com

^۲ مدیر عامل؛ anahitaguilan@gmail.com

چکیده- همواره انرژی، یکی از بحث های مهم و اصلی در تمامی صنایع جهان است و میزان مصرف انرژی به عنوان یکی از اصلی ترین فاکتورهای تعیین کننده قیمت تمام شده محسوب می شود. صنعت فولاد به عنوان یک صنعت مادر و انرژی بر ۵ درصد کل مصرف انرژی جهان را به خود اختصاص داده است. همه ساله مقادیر قابل توجهی از منابع و عوامل تولید کشور (به خصوص انرژی) در صنعت فولاد مورد استفاده قرار گرفته و متعاقب آن مقادیر چشمگیری از تولیدات مربوطه به بازار عرضه شده که در جامعه مصرف می گردد. در این میان شناخت عوامل مؤثر در مصرف فولاد و چگونگی به کارگیری آنها در پروسه تولید، در جهت ایجاد تغییرات لازم و مطلوب و ارائه تحلیلهای مبتنی بر اصول اقتصادی، تولید کنندگان را به بهره گیری کارا تر نهاده های موجود و در نتیجه کسب محصول و درآمد بیشتر رهنمون می سازد. در همین راستا هدف اصلی این مقاله ارائه راهکارهای بهبود مصرف انرژی در صنعت فولاد می باشد؛ که راهکارهای به دست آمده با استفاده از تکنیک بُردا رتبه بندی شده و اولویت انجام هر یک مشخص گردیده است.

کلید واژه: بهبود مصرف انرژی، صنعت فولاد، تکنیک بُردا

مقدمه

بهترین نتایج را در جهت اهداف مادی و معنوی به دست آورد. در شرایط کنونی افزایش بهره وری و استفاده کارا از امکانات موجود، عملاً از یک انتخاب، بالاتر رفته و به یک ضرورت تبدیل گردیده است. بدون تردید فولاد یکی از کالاهای مهم و استراتژیک کشور و جزء مهمترین کالاها در صنعت کشور می باشد. بالا بردن کارایی و بهره وری عوامل تولید از جمله انرژی در کارخانجات فولاد را می توان یکی از راههای افزایش تولید و رسیدن به ظرفیت اسمی کارخانجات دانست. از این رو برای بهبود بهره وری عوامل مؤثر در تولید فولاد لازم است با بهره گیری از شیوه ها و متدهای علمی، تحقیقات کاربردی متناسب با شرایط و

اقتصاددانان برای بهره وری و نقش آن در توسعه اهمیت زیادی قائلند. تأکید در این مورد به حدی است که برخی از آنها پدیده توسعه نیافتگی را مولود پایین بودن نرخ بهره وری می دانند. لذا این موضوع بیانگر جایگاه ویژه بهره وری در استراتژی توسعه اقتصادی کشورها چه در سطح خرد و چه در سطح کلان بوده و آن را به عنوان یک دیدگاه فکری و اجتماعی و یک فرهنگ مطرح کرده است. در این دیدگاه انسان با نگرشی واقع گرایانه به زندگی، تفکر و هوشمندی خود فعالیت هایش را با ارزشها و واقعیات منطبق ساخته تا

۱. حیدری، غلامرضا، بهره وری و توسعه، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، مرکز مطالعات برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی کشور ۱۳۷۵، سال دوم، شماره ۵، (ص ۴۱-۵۵).